

ادبیات کودک در خانه، کتابخانه و مدرسه

■ فروزان طبیبیان

تخیلی، خوانندگان را در زمان و فضا جابه‌جا کنند. دیگر مکان‌ها در زمان‌های گذشته، حال و آینده، حس اکتشاف کودکان را برمی‌انگیزند. در نتیجهٔ این اکتشاف و تفحص، کودکان درک بهتری از دنیایی که در آن زندگی می‌کنند، به دست می‌آورند.

زبان نوشتاری در جلوه‌های ادبی‌اش، ابزاری است برای بیان ادبی از طریق شعر و نثر. کودکان، تنوع واژه‌های نوشته شده را درمی‌یابند و به مهارت کشف معنی دست پیدا می‌کنند. در ادبیات نیز کودکان می‌توانند فراتر از واقعیت حرکت کنند و خود را در دنیایی غیرواقعی قرار دهند که از محدودیت‌های زندگی روزمره مصون است.

سه زمینه اصلی که ادبیات کودکان در آن فعالیت دارد، عبارتند از: خانه، کتابخانه عمومی و مدرسه. در هر کدام از این محیط‌ها، عملکرد ادبیات تا حدی متفاوت است، اما هر فعالیت با دیگر فعالیت‌ها تعامل و همکاری دارد.

خانه: شواهد غیرقابل انکار، نشان می‌دهند که آن دسته از کودکانی که این شانس را داشته‌اند که خیلی زود با ادبیات مناسب خودشان ارتباطی

ادبیات، کودکان را در چهار مسیر عمده هدایت می‌کند: به آن‌ها کمک می‌کند تا خود، دیگران، دنیای‌شان و ارزش‌های زیباشناختی زبان نوشته شده را بهتر درک کنند. زمانی که کودک، داستان، شعر یا زندگی‌نامه‌ای می‌خواند، خود را به جای یکی از شخصیت‌های آن فرض می‌کند. از طریق تفکرات، کلمات و کارهای آن شخصیت، کودک بینش خود را نسبت به آن شخصیت و ارزش‌های او توسعه می‌دهد و دوباره در نتیجه تجربیات موجود در ادبیات، حالت‌های رفتاری کودک و ساختارهای ارزشی او تغییر می‌کند، اصلاح می‌شود و یا توسعه می‌یابد.

درحین خواندن کتاب، زمانی که کودکان خود را در نقش شخصیت اصلی کتاب تصور می‌کنند، با دیگر شخصیت‌ها که در آن انتخاب خاص به تصویر کشیده شده، تعامل برقرار می‌کنند. در این فرایند، آن‌ها چیزی در مورد ذات رفتار و نتایج تعامل شخصی می‌آموزند. به یک معنا، بچه‌ها از شباهت‌ها و تفاوت‌های بین افراد آگاه می‌شوند.

به دلیل این‌که ادبیات دارای محدودیت‌های زمانی و مکانی نیست، کتاب‌ها می‌توانند به طور

مستمر داشته باشند، برای موفقیت در مدرسه مستعدتر از افرادی هستند که این شانس را نداشته‌اند. والدینی که با صدای بلند برای کودکان‌شان می‌خوانند، اغلب از ابتدای تولد در حال تبادل ادیباتی هستند که تجربه لذت‌بخشی برای بچه‌ها فراهم می‌کند. کودک ارتباط مستمری با کتاب‌ها پیدا می‌کند که برای او لذت و توجه مستمر به والدین را که برای خواندن وقت صرف می‌کنند، به ارمغان می‌آورد. در طول سال‌های قبل از مدرسه، کتاب‌ها به ساختار زبانی کودکان کمک می‌کند و دامنه لغات آن‌ها را گسترده می‌سازد. کودکان با مفهومی از الگوی زبانی آشنا می‌شوند و ریتم را از استفاده ادبی از زبان فرا می‌گیرند که در مکالمات روزمره پیدا نمی‌شود. گاه کودکان کشف می‌کنند که چاپ دارای معنی است و زمانی که توانایی خواندن پیدا می‌کنند، هم‌زمان با درک تصاویر، از مطالعه کتاب‌ها لذت بیشتری می‌برند. با کشف این‌که خواندن و مطالعه، خود پاداش طبیعی دارد، کودکان انگیزه بیشتری برای یادگیری و فراگیری مهارت‌های خواندن می‌یابند.

کتابخانه عمومی: کتابخانه‌های عمومی نقش بسیار مهمی در کمک به کودکان دارند. اتاق کودکان که حیطه‌ای از تعدادی کودک است، مکانی است برای تمامی کودکان؛ چه آن‌ها که خوانندگان باتجربه‌ای هستند و چه آنان که تازه واردند. کتابخانه‌ها ساعات داستان‌خوانی ترتیب می‌دهند، فیلم‌هایی پخش می‌کنند و برای کودکان کامپیوتر و مکانی ساکت برای انجام تکالیف فراهم می‌آورند و کتاب‌های کمکی و برنامه‌های مطالعه تابستانه برای آن‌ها مهیا می‌سازند.

کتابداران کودکان، به مطالعه موارد مورد علاقه کودکان کمک می‌کنند و برای والدین‌شان

نقش مشاور را دارند. استفاده کامل از کتابخانه عمومی در آموزش وسیع کودکان، هنوز به موفقیت کامل نرسیده است. اما پذیرش روزافزون محیط کتابخانه، به عنوان یک جامعه و نه یک تجمل، به ادامه ایفای نقش کتابخانه و داشتن نقش مهم در زندگی کودکان کمک می‌کند.

مدرسه: ادبیات تا دهه ۱۹۵۰ میلادی، به عنوان یک برنامه درسی خواندنی، وارد مدرسه نشده بود. قبل از این زمان، بسیاری از مدارس کتابخانه نداشتند و تعداد زیادی از آن‌ها حتی به کتابخانه احساس نیاز هم نمی‌کردند. بسیاری از مدارس بیش‌تر بر کتاب‌های درسی و دستورالعمل‌ها تأکید داشتند. در پایان قرن بیستم، تمامی برنامه‌های درسی، اهمیت کتاب‌های غیردرسی را شناختند. در اوایل قرن ۲۱، اغلب مدارس دارای کتابخانه‌های مرکزی شدند که توسط کتابداران آموزش دیده اداره می‌شد و بعضی مدارس حمایت مالی برای کتابخانه‌های کلاس فراهم آوردند. زمانی هم که این قضیه صادق نبود، معلمان با شناخت ارزش ادبیات مناسب و کسب مهارت در این زمینه، با خود این ادبیات را به کلاس می‌آوردند. نتایج یک بررسی در سال ۱۹۹۸، از برنامه‌های رسانه‌ای کتابخانه مدارس، توسط مرکز آمار آموزشی ایالات متحده، نشان می‌دهد که بخش آموزش، به طور متوسط شامل ۲۸ کتاب در هر مدرسه ابتدایی (مدارس عمومی و خصوصی) می‌شود.

کارگرد در برنامه درسی مدرسه: ادبیات نقش بسیار مهمی در آموزش رسمی کودکان، در سه زمینه عمده برعهده دارد: برنامه خواندن آموزشی، حیطه موضوعی و برنامه ادبیات.

اغلب برنامه‌های خواندن آموزشی، اهمیت ادبیات را مشخص می‌سازد. برنامه‌های خواندن در کتاب‌های درسی، عموماً توصیه می‌کند که از

این مجموعه گنجانده شوند؛ چون مجموعه کتب درسی، به دوره‌های طولانی فراهم آوری نیاز دارند. کتب درسی و محتوای آن‌ها، اغلب توسط کمیته‌های دولتی مورد بازبینی قرار می‌گیرند که به طور بالقوه، مواد مباحثه‌ای را محدود می‌کنند. کتب غیردرسی به طور گسترده مورد استفاده قرار می‌گیرند تا این محدودیت‌ها را رفع کنند. کتب غیر داستانی فرصتی برای دقت عمیق‌تر به موضوعات خاص فراهم می‌آورند. علاوه بر این، به نسبت کتب غیردرسی، تهیه و انتشارشان زمان کوتاه‌تری نیاز دارد و کشفیات جدید و حوادث اخیر را در دسترس خواننده قرار می‌دهند.

برنامه‌های ادبیات مدارس ابتدایی، به طور وسیعی دارای تفاوت‌هایی هستند. از جمله این که دولت و استانداردهای ملی و برنامه‌های امتحانی در برخی مدارس، این نظریه را منعکس می‌کند که ادبیات، نوعی تحمل و دست بالا، یک زائده نامطلوب است.

در چنین مدرسی، زمان بسیار اندکی به مهارت خواندن اختصاص می‌یابد. اغلب مدارس درک می‌کنند که کودکان به تجارب لذت‌بخش در ادبیات نیاز دارند که آن‌ها را قادر می‌سازد به کتاب‌ها مراجعه کنند و عمیق‌تر در مورد شخصیت‌ها، موضوعات و دیگر عناصر ادبی بیندیشند. در چنین مدرسی، مطالعه ادبیات در نظریه پاسخ خواننده جمع‌آوری می‌شود که در بحث **لوئیز روزنبلت** (Louise Rosenblatt) در کتاب ادبیات، به عنوان یک اکتشاف آمده است که «کار ادبی در یک جریان زنده، بین خواننده و متن برقرار است.» بنابراین، خواننده به عنوان یک بازتولید کننده معنی، در کنار نویسنده قرار می‌گیرد. هر طرحی برای مطالعه مستقیم فرم ادبی، ساختار و محتوا به عنوان وسیله‌ای برای افزایش لذت خواندن، حداقل شامل موارد زیر است:

خواننده به عنوان یک بازتولید کننده معنی، در کنار نویسنده قرار می‌گیرد

کتاب‌های غیردرسی، از ابتدای آموزش خواندن رسمی، برای ایجاد انگیزه در خوانندگان استفاده شود. بعضی اوقات این نیاز به شدت حس می‌شود. خواننده از طریق کتاب‌های غیردرسی، کشف می‌کند که آن تلاش‌ها با لذتی که از خواندن به دست می‌آید، هماهنگی دارد. در بسیاری از مدارس، تدریس خواندن بیش‌تر بر کتاب‌های غیردرسی تمرکز داشته تا کتاب‌های درسی. در برنامه‌های ادبیات محور، معلمان آموزش خود را با تجربه کتاب‌های واقعی درآمیخته‌اند؛ تجاربی که به دانش‌آموزان کمک می‌کند خود موضوع خواندن را انتخاب کنند و این فرصت را به ایشان می‌دهد تا با گروه همسالان‌شان، پاسخ‌هایی برای خواندن پیدا کنند. مدارس با چنین برنامه‌های ادبیات محوری، بر اهمیت ایجاد یک جمعیت کلاسی از خوانندگان تأکید می‌کنند. این برنامه‌ها نه تنها به کودکان برای یادگیری خواندن کمک می‌کند، بلکه آن‌ها را تشویق می‌کند تا به خوانندگان همیشگی تبدیل شوند.

حیطه‌های موضوعی مثل مطالعات اجتماعی و علوم، تا حد زیادی بستگی به کتب درسی دارد که آموزش همگانی را برای کل کلاس فراهم می‌آورد. محدودیت‌هایی در طبیعت کتب درسی وجود دارد که نیاز به همراهی کتب غیردرسی را خاطرنشان می‌کند. کتب درسی حیطه دانش را گسترش می‌دهند، اما محدودیت‌های فضایی مانع از تفحص عمیق در موضوعات خاص می‌گردد. اکتشافات جدید و رویدادها همیشه نمی‌توانند در

- press.
4. HUNT, PETER. 1999. *Criticism, Theory, and Children's Literature*. Cambridge, MA: Basil Blackwell.
 5. JACKSON, MARY V. 1999. *Engines of Instruction, Mischief, and Magic: Children's Literature in England from Its Beginnings to 1839*. Lincoln: University of Nebraska press.
 6. LEHR, SUSAN. 1991. *The Child's Developing Sense of Theme: Responses to Literature*. New York: Teachers College press.
 7. LUKENS, REBECCA J. 1999. *A Critical Handbook of Children's Literature*, 6th edition. New York: Longman.
 8. LURIE, ALISON. 1990. *Don't Tell the Grown-Ups: Subversive Children's Literature*. Boston: Little, Brown.
 9. MURRY, GAIL S. 1998. *American Children's Literature and the Construction of Childhood*. New York: Twayne publishers.
 10. ROSENBLATT, LOUISE M. 1996. *Literature as Exploration*, 5th edition. New York: Modern Language Association.
 11. TOWNSEND, JOHN ROWE. 1990. *Written for Children: An Outline of English Children's Literature*, 4th edition. New York: Harper Collins.

خواندن متن‌های ادبی با صدای بلند توسط معلمان و تشکیل گروه‌های کوچک دانش‌آموزی که به طور منظم همدیگر را ملاقات و در مورد کتاب‌ها مباحثه می‌کنند. علاوه بر این، معلمان باید زمان را به گونه‌ای برای کودکان تنظیم کنند که از طریق نوشتن و کارهای هنری خلاق و دیگر اشکال هنری، به کتاب‌ها واکنش نشان دهند. انسان‌ها در تمام زمان‌ها و مکان‌ها، با مسائل مختلفی در خصوص تولد و زندگی و مرگ روبه‌رو بوده‌اند. کودک نیز نمی‌تواند از این مسائل بگریزد. با مطالعه ادبیات، کودک درمی‌یابد چگونه با مسائل روبه‌رو شود و راهکارهایی برای حل مشکلات اتخاذ کند.

به کارگیری ادبیات کودکان، به منظور کمک به کودکان برای رویارویی با مسائل، می‌تواند یکی از بخش‌های مهم آموزش باشد. از طریق ادبیات، کودکان می‌فهمند که در مقابله با مسائل تنها نیستند. با استفاده از ادبیات، کودک تعامل بیش‌تری با مشکلات پیدا می‌کند و راهی مناسب برای حل آن‌ها خواهد یافت.

منابع

1. APPLEBEE, ARTHUR. 1978. *The Child's Concept of Story: Ages Two to Seventeen*. Chicago: University of Chicago Press.
2. CARPENTER, HUMPHREY, and PRICHARD, MARI, eds. 1984. *The Oxford Companion to Children's Literature*. Oxford: Oxford University press.
3. EGOFF, SHEILA; STUBBS, GORDON; ASHLEY, RALPH; and SUTTON, WENDY, eds. 1996. *Only Connect: Readings on Children's Literature*, 3rd edition. New York: Oxford University